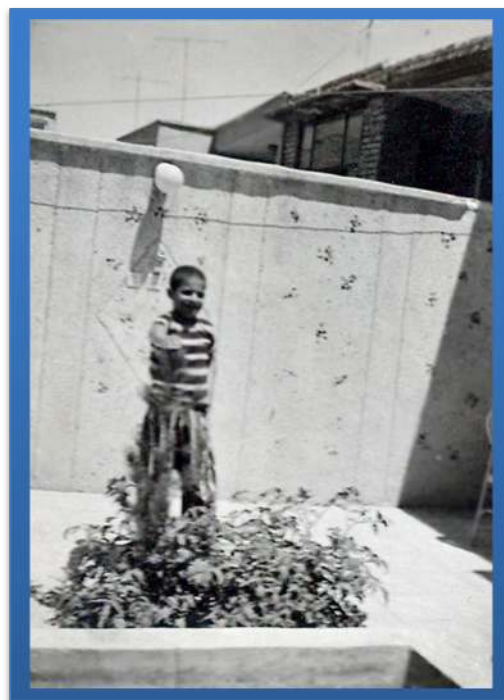
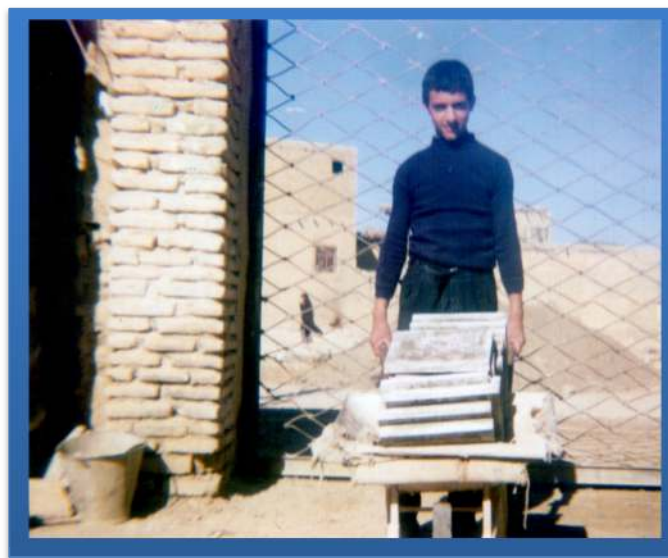


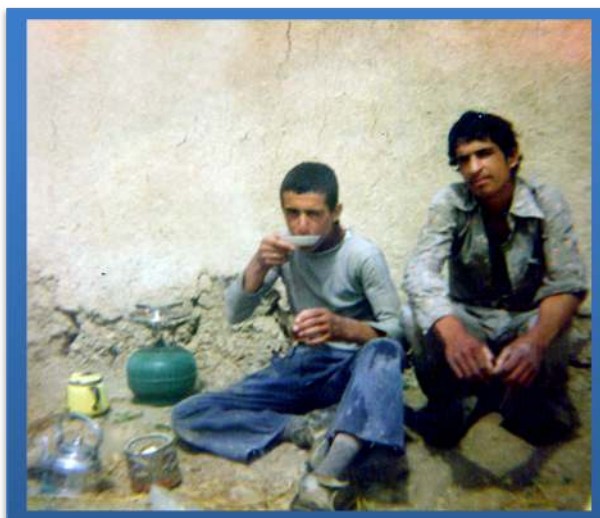
نام: محسن
 نام خانوادگی: کاظمی اندانی
 نام پدر: فتح الله
 تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۲/۵
 محل تولد: اصفهان
 مدرک تحصیلی: سیکل
 وضعیت تأهل: مجرد
 تاریخ عضویت: ۱۳۶۰/۹/۱
 مسئولیت: فرمانده گردان در تیپ شهید
 بروجردی
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۸
 محل شهادت: مریوان عملیات والفجر ۹
 نحوه شهادت: اصابت ترکش دشمن بعثی
 محل دفن: گلستان شهدا اصفهان



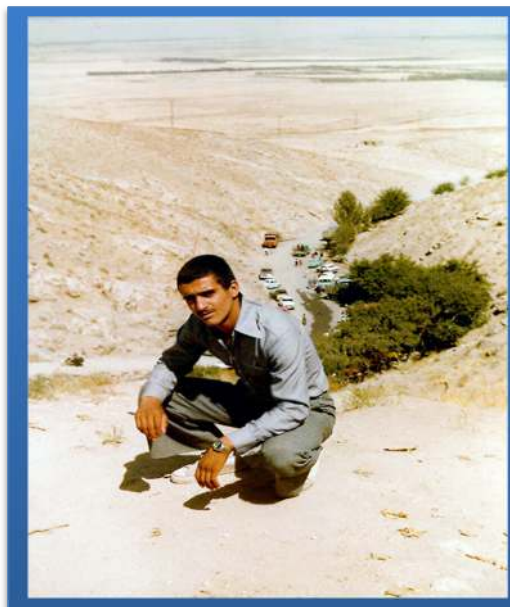
محسن در پنجمین روز از اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۴ هجری شمسی، در اصفهان به دنیا آمد و در دامن پر مهر و محبت مادر و توجهات پدری فداکار و زحمتکش که هر دو از تربیت یافتگان مجالس ائمه اطهار (علیهم صلوات الله) بودند، سپری کرد.

دوران ابتدایی را در دبستان «احسان» سپری نمود، در حالی که در کنار تحصیل، در کارگاه موزائیک‌سازی پدر مشغول به کار بود.

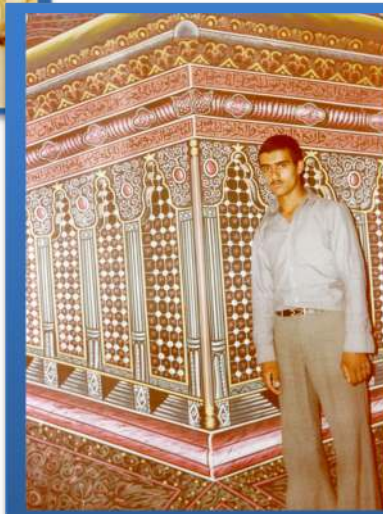


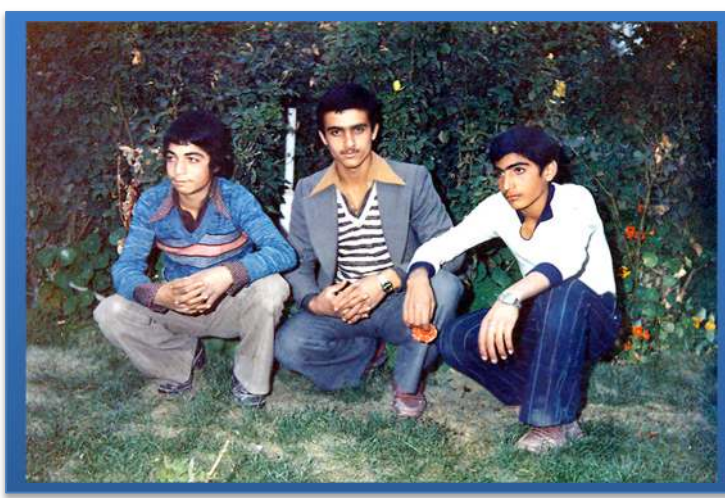


قرآن و نماز را نزد ملامحمد که در علوم دینی
تبحر داشت، آموخت. تحصیلات راهنمایی را نیز
در مدرسه «طغیانی» با موفقیت طی کرد.



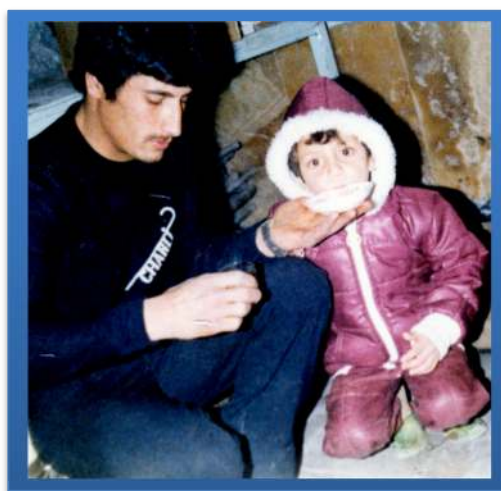
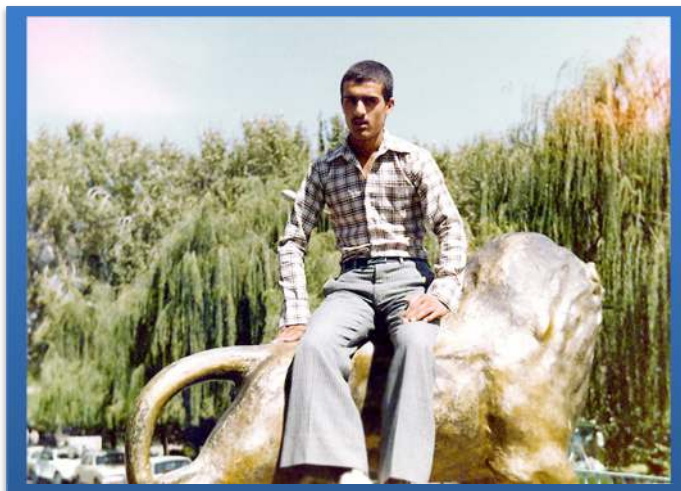
پایان تحصیلاتش در مقطع راهنمایی
مصادف بود با شروع اعتراضات مردمی علیه
رژیم پهلوی، محسن نیز با محوریت
بچه‌های مسجد فاطمیه پا به میدان مبارزه
گذاشت.



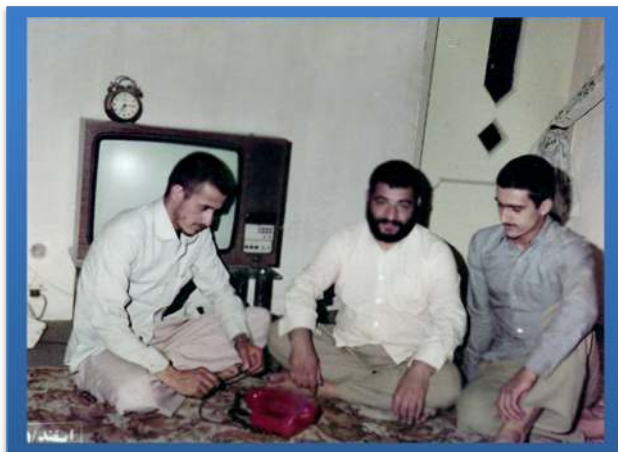


بعد از پیروزی انقلاب و فرمان تشکیل بسیج توسط حضرت امام (ره) وارد بسیج مسجد فاطمیه شد.

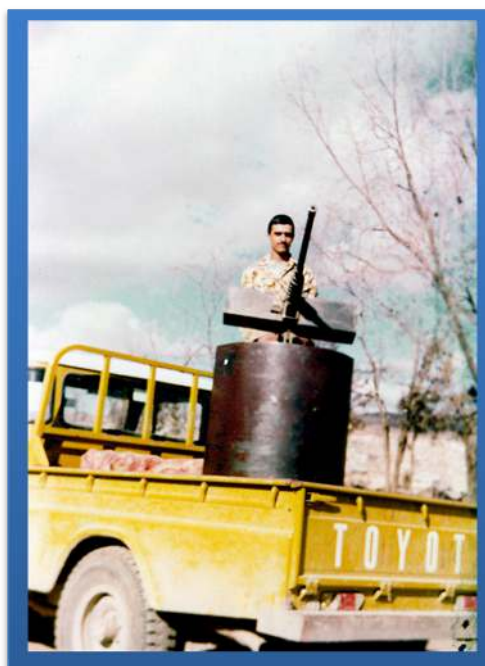


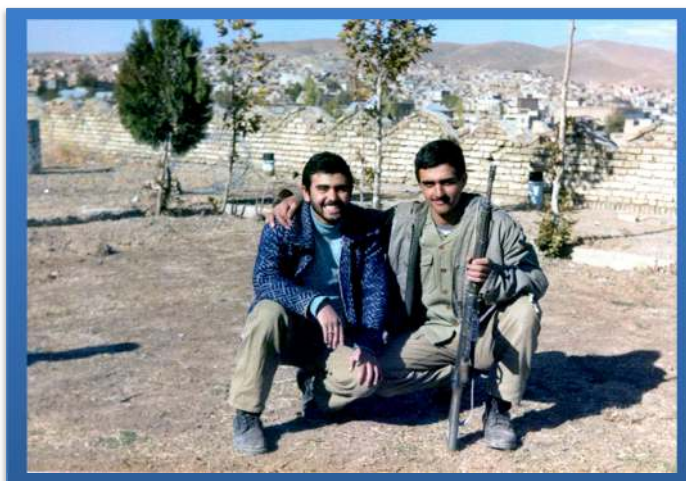


از آن به بعد، روزها در کارگاه پدر می‌کرد و شب‌ها را در بسیج می‌گذراند.



چند باری داوطلب اعزام به جبهه شده بود، امکان اعزامش فراهم نشد تا این که با متقاعد کردن خانواده و گرفتن رضایت از آنها، راهی کردستان شد.

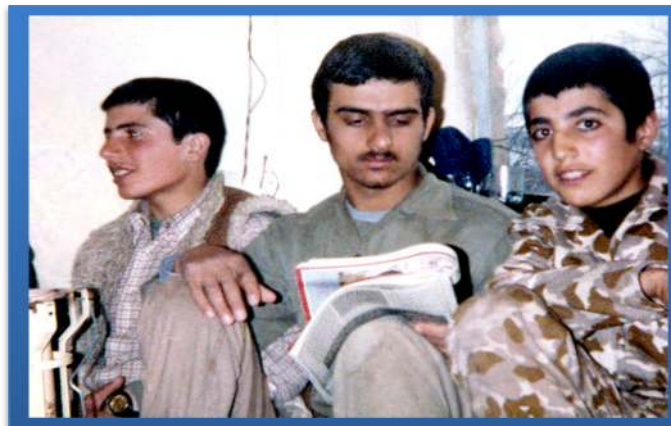
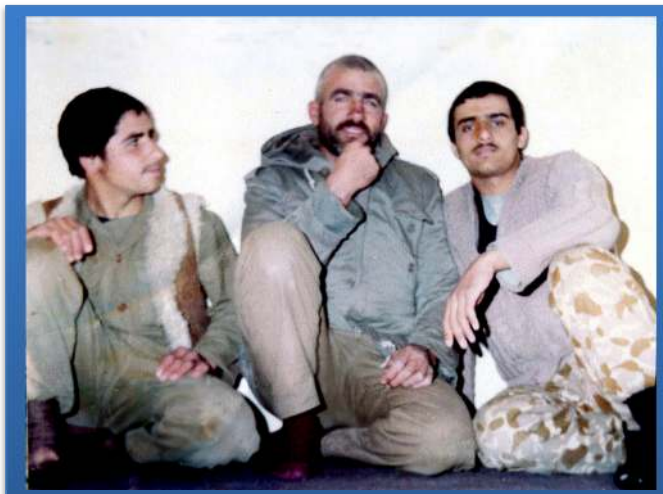




سال ۱۳۶۰ عضو رسمی سپاه شد و به واسطه آشنایی که با حاج اکبر آقابابایی داشت، محافظت از حاج آقا موسوی، نماینده حضرت امام در کردستان را به عهده گرفت.

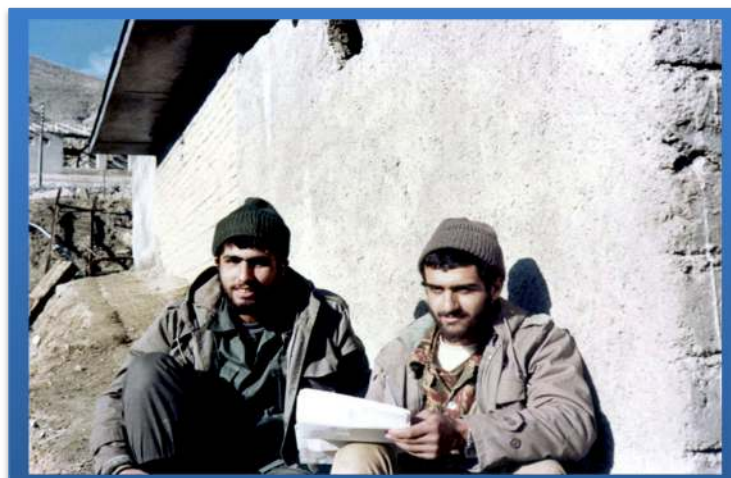


سال ۱۳۶۲ به جمع نیروهای عملیات سنندج پیوست
و یک سال به عنوان فرمانده گردان امام سجاد (علیه السلام)،
برقراری امنیت در محور آویهنگ را به عهده گرفت.

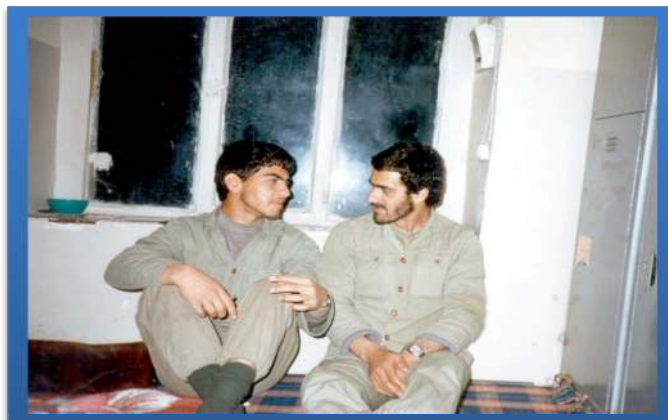




وقتی از کارهای عملیاتی و تعقیب ضدانقلاب فارغ می‌شد، به عمران و آبادی مقررها و سنگرها و رفع نیازمندی‌های ضروری مردم روستاها مشغول می‌شد.



برادر کوچکترش مهدی، که مدتی کنار او در کردستان حضور داشت، در جریان عملیات خیبر به شهادت رسید. حاج محسن خیلی ناراحت بود، می‌گفت: من باید شهید خانواده باشم.







تیرماه سال ۱۳۶۳ سه تن از همزمانش؛ محمدرضا افیونی، مهدی احمدی کیا (هشتمردی) و سید مجید متولی در سه راهی حزب الله در جاده مریوان - سنندج به کمین ضدانقلاب افتاده و به شهادت رسیدند.



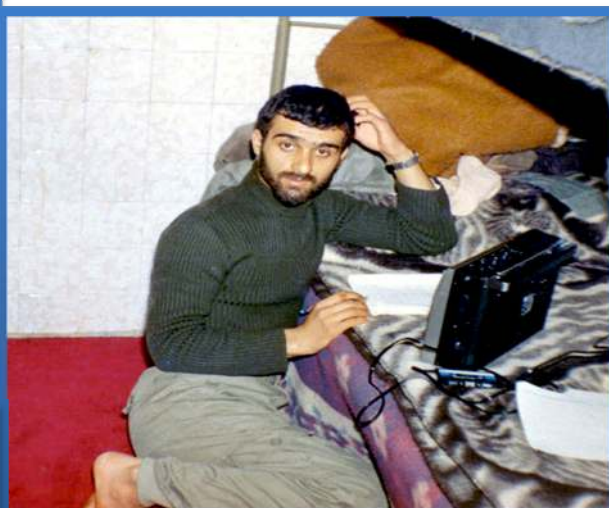


سال ۱۳۶۳ وقتی حاج اکبر آقابابایی، فرماندهی تیپ ۱۱۰ شهید
بروجردی را عهده‌دار شد، محسن نیز همراه او به مهاباد رفت.





بعد از مدتی فرمانده گردان امام حسن مجتبی (علیه السلام) تیپ
شهید بروجردی شد.



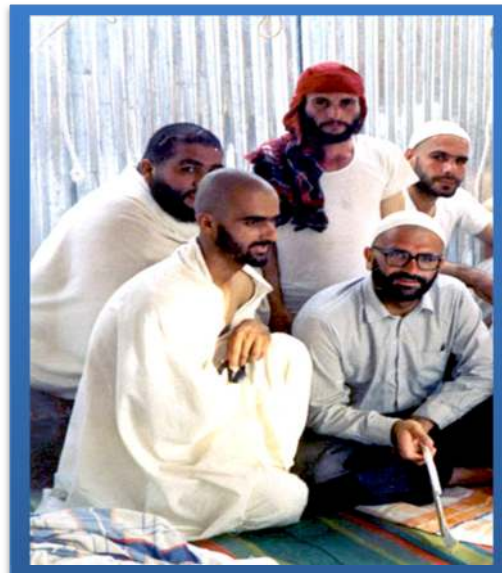
حالا او علاوه بر مبارزه با ضدانقلاب داخلی و برقراری امنیت در مناطق عمقی کردستان، در عملیات‌های منظم علیه رژیم بعث عراق که در شمال غرب طرح‌ریزی می‌شد، هم شرکت می‌کرد.

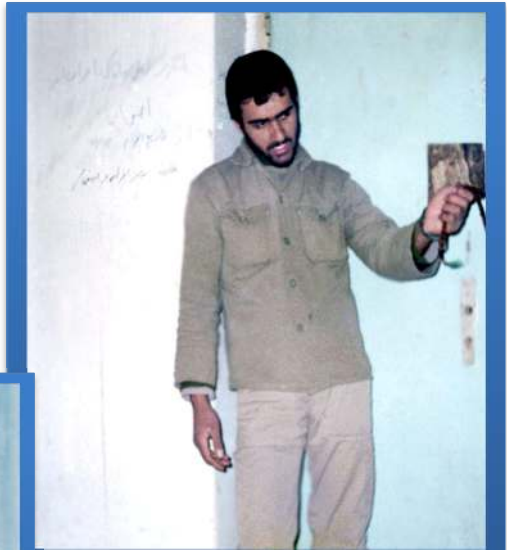




علاقه عجیبی به قرائت قرآن و دعا داشت و با صوت خوشی که داشت، اغلب گرمابخش محفل دوستان بود.

سال ۱۳۶۴ به مکه رفت و تنها خدا آگاه است که در این سفر معنوی از خدا چه خواست که پس از آن دیگر آرام و قرار نداشت.







محسن ۸ اسفندماه ۱۳۶۴ در جریان عملیات
والفجر ۹ بر اثر اصابت ترکش گلوله تانک به
سرش به شهادت رسید.



به خواهرش وصیت کرده بود؛ شهید که شدم،
برای دیدن جنازه‌ام آمدمی، اگر چشم‌هایم باز
بود، بدان که من قبل از شهادتم امام
زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) را دیده‌ام.

